

hermeneutic analysis; Basic methodology for improving the credibility and value of human sciences

Fatemeh Heidari *fheidari1978@yahoo.com*

Seifollah Fazlollahighomshi *fazlollahigh@yahoo.com*

Abstract:

Hermeneutics as one of the methods of qualitative research and interpretation of texts, or the science of interpretation, is a method that seeks to discover the codes and meaning hidden in texts, the texts and explanation of the meaning of these discourses. The purpose of this method is to represent and re-experience the creative process of the author's intention, through regularizing interpretative methods and techniques; Avoiding misunderstandings and misunderstandings; And achieving a degree of understanding that is more correct than others and closer to the desire of the creator of the work, which has a lot of use in humanities research, especially behavioral sciences. In this article, using the meta-analysis approach, which is a type of research about published research, and by combining published articles, first the terminology of hermeneutic research, and then the philosophical foundations, history of its origin, its definitions are stated, and then it is compared with other methods, aspects The distinction and criticisms have been addressed

Keywords: hermeneutics, qualitative research, meta-analysis

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل هرمنوتیک؛ روش‌شناسی مبانی ارتقاء اعتبار و ارزش علوم انسانی

فاطمه حیدری^۱

سیف‌الله فضل‌اللهی قمشی^۲

صص ۷۴-۵۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۵

چکیده

هرمنوتیک به عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی و تفسیر متون، یا همان علم تأویل، شیوه‌ای است که به دنبال کشف رموزها و معنای نهفته در متون است به عبارتی دیگر، خوانش و نظریه‌ی مهم گفتمان‌ها در ارتباط با تفسیر متن است یعنی هنر گفتمان‌هایی همچون زبان، متون و توضیح معنای این گفتمان‌هاست. هدف این روش باز نمایی و باز تجربه‌ای از فرایند خلاق قصد نویسنده، از طریق قاعده‌مند کردن روش‌ها و تکنیک‌های تفسیری؛ جلوگیری از بد فهمی و سوء فهم؛ و دست یافتن به درجه‌ای از فهم که درست‌تر از بقیه و نزدیک‌تر به خواسته‌ی آفریننده اثر است که کاربرد زیادی در پژوهش‌های علوم انسانی، بویژه علوم رفتاری دارد. در این مقاله با استفاده از رویکرد فرا تحلیل که نوعی پژوهش درباره‌ی پژوهش‌های نشر یافته است و با ترکیب مقالات منتشره، ابتدا واژه‌شناسی پژوهش هرمنوتیک و سپس مبانی فلسفی، تاریخچه‌ی پیدایش، تعاریف آن بیان شده، در ادامه به مقایسه‌ی آن با سایر روش‌ها، وجوه تمایز و انتقادات وارده به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: هرمنوتیک، تحقیق کیفی، فرا تحلیل

۱ گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲ گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) // استادیار و دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی

fazlollahhigh@yahoo.com

مقدمه

هدف تحقیق کیفی با توجه به ماهیت آن، مطالعه عمیق و همه جانبه بر روی پدیده مورد مطالعه است. بنابراین، به نظر، تحقیق کیفی بیشتر بر پایه‌های پدیدارشناسی، تفسیرگرایی و تأویل استوار است که در هر سه رهیافت بر جنبه‌های ذهنی اندیشه انسانی تأکید می‌شود. پژوهشگر کیفی به دنبال تجربه زنده در شرایط واقعی است (وود، ۲۰۰۶: ۷).

رشد و گسترش علوم در حوزه ی انسانی موجب تغییرات اساسی در روش‌های پژوهش شده است. این تغییرات بیشتر در نوع روش‌شناسی بوده که موجب شده رویکردهای مختلف فلسفی و علمی از مکاتب مختلف وارد حوزه ی پژوهش شود به عنوان مثال محمدپور بیان می‌کند که در خلال چند دهه گذشته به ویژه از دهه ۱۹۷۰ علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری گرفتار مناقشه‌های نظری و روش‌شناختی متعددی بوده است. در این راستا می‌توان به پیدایش انواع پارادایم‌ها در علم اشاره کرد (محمد پور، ۱۳۸۹).

یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های علوم انسانی که پیش از روش‌های جدید پژوهش کیفی بوجود آمده و پایه معرفتی برخی از این روش‌ها محسوب می‌شود، هرمنوتیک است. روش پژوهش هرمنوتیک نوعی «تئوری تفسیر تجربه» است و بر چگونگی رویارویی ما با جهان و فهم اشیاء و افراد تأکید دارد. ریشه‌های هرمنوتیک از مطالعه‌ی متون مذهبی و فرهنگ‌های باستانی و کلاسیک قدیمی سرچشمه می‌گیرند؛ با وجود این، «روش پژوهش هرمنوتیک» به عنوان فلسفه، راهی برای درک فرایند تفسیر ارائه می‌کند. قبل از تدوین هرمنوتیک به عنوان علم تفسیر و تأویل، توجه به تفسیر کتب مقدس در میان متفکران مسیحی رواج بسیار داشت. هرمنوتیک به عنوان یک شاخه علمی در دوره رنسانس پدید آمد. بر اساس عقیده دان هاورکه نه تنها الهیات برای تفسیر کتاب مقدس، که همه علوم بشری نیازمند تفسیر هستند. هرمنوتیک با فهم متن سروکار دارد که شامل نوشتار و گفتار است. یکی از متفکران هرمنوتیک بالأخص هرمنوتیک گادامر است. تفکر وی بر محور تعیین روش یا روش‌های تفسیر و بیان قواعد فهم متون نمی‌چرخد، بلکه وی به دنبال شناسایی آن چیزی است که در همه فهم‌ها مشترک است و اوصاف مشترک تمام فهم‌ها را آشکار می‌سازد. به طور کلی تفکر هرمنوتیکی گادامر شامل فهم بر اثر ترکیب افق معنایی مفسر یا متن امکان‌پذیر است. از طرفی، هر مفسری دارای پیش‌داوری است که افق معنایی او را می‌سازد (نصری، ۱۳۸۴). چنانچه نشاط بیان می‌کند که در آغاز مفهوم شاخص در هرمنوتیک تفسیر بود، اما به تدریج جایگاه کانونی را مفهوم فهمیدن به خود اختصاص داد و هم اکنون موضوع اندیشه فهم معنای ژرف‌ترین لایه هستی آگاهی انسان تلقی می‌شود (نشاط، ۱۳۸۴). اشکال مختلف هرمنوتیک آن قدر وسیع است که ارائه تعریف دقیقی از این اشکال، مباحث طولانی را می‌طلبد. در یک سو مدافعان عینیت و اعتباربخشی قرار دارند که علم هرمنوتیک را منبع نظری برای معیارهای اعتباربخشی می‌انگارند و در سوی دیگر پدیدار شناسان واقعه فهم قرار دارند که فهم را اساساً تاریخی انگاشته‌اند (پالمر ۱۳۸۹، ص. ۷۶). هرمنوتیک روش‌شناختی در ابتدا برای متون مقدس و سپس برای کلیه متون به کار رفت و هرمنوتیک فلسفی نیز که شمول آن از هرمنوتیک روش‌شناختی گسترده‌تر است تمام معارف بشری اعم از متون نوشتاری، گفتاری و در مجموع تمام پدیده‌ها را شامل می‌شود (درخشه و نصرت پناه، ۱۳۹۳).

در این مقاله با استفاده از روش فراتحلیل که داده‌های بدست آمده از پژوهش‌های مختلف را یکجا گرد هم می‌آورد و آنها را به عنوان یک مجموعه داده تحلیل می‌کند و در نتیجه با سر جمع کردن و تحلیل حجم زیادی از داده‌ها امکان اعتماد به نتایج به طور قابل توجهی بیشتر می‌شود، به روش‌شناسی هرمنوتیک پرداخته شد. یعنی ابتدا روش به دقت مطالعه شد و منابع آن شناسایی و جمع گردید، سپس با استفاده از روش فراتحلیل یک نوشته به عنوان متن اصلی تعیین شد و بعد تمام مقالاتی که گردآوری شده بود با متن پایه تطبیق داده شدند و در نهایت نقاط مشترکی که در تمام نوشته‌ها بود، انتخاب شد و به این صورت روش‌شناسی هرمنوتیک تکمیل گردید.

واژه‌شناسی پژوهش تحلیل هرمنوتیک

واژه‌ی هرمنوتیک از فعل یونانی «Hermeneuein» به معنای تفسیر کردن اشتقاق یافته و با واژه‌ی هرمنس دارای ریشه‌ی مشترک است. مطالعه‌ی قواعد صحیح تفسیر متن را هرمنوتیک به انگلیسی «Hermeneutics» یا علم تأویل، تعبیر، تأویل شناسی یا تأمل فلسفی که در تلاش برای درک فهمیدن است می‌گویند.

زمانی که می‌خواهیم از هرمنوتیک به عنوان شاخه‌ای از معرفت و مجموعه تلاش‌های نظری و فکری تحقق یافته تحت این نام یاد کنیم، یعنی به حوزه‌ی عام هرمنوتیک نظر داشته باشیم حرف را در انتهای آن قرار می‌دهیم و «Hermeneutics» تلفظ می‌کنیم.

کروتی (۱۹۹۸) واژه‌ی هرمنوتیک را از فعل یونانی هرمنیوین که به معنی تفسیر یا دریافت اقتباس شده می‌داند (نقل از محمدپور، ۱۳۸۹). هرمنیوین اشاره به نظام فکری دارد که به طبیعت و پیش فرض‌های تفسیر تجلیات بشری می‌پردازد (هاروی، ۱۳۸۲). هرمنوتیک از نظر اصطلاحی، یعنی دانش و رشته‌ی علمی خاص که از نظریه‌های مربوط به فهم بحث می‌کند (مسعودی، ۱۳۹۰: ۱۲). در مورد هرمنوتیک تعاریف متفاوتی و در بعضی مواقع متضاد ارائه شده است. به طوری که برخی معتقدند هرمنوتیک به هیچ نظریه نظام‌مند واحد و یکپارچه اطلاق نمی‌شود (عابدی سر آسیا، ۱۳۹۵). با این وجود در تعریف هرمنوتیک دو واژه یعنی تأویل و تفسیر بکار گرفته شده است. تأویل به معنای بازگرداندن چیزی به اصل آن است (احمدی، ۱۳۸۲) و تفسیر، بیانی مفهومی است. می‌توان گفت روش تأویل نظریه به عمل فهم در جریان روابطش با تفسیر متون است (علوم، ۱۳۸۸). فهم یکی از نکات مهم در هرمنوتیک است.

مبانی فلسفی روش پژوهش تحلیل هرمنوتیک

تحلیل هرمنوتیک یا علم تأویل را می‌توان به مثابه‌ی شیوه‌ای تعریف کرد که به دنبال کشف رمزها و معنای نهفته در چیزها است. هرمنوتیک را می‌توان در دو قالب مد نظر قرار داد:

۱- به مثابه‌ی یک رویکرد فلسفی به درک انسانی که در این حالت مبنای تفسیرگرایی به حساب می‌آید.

۲- به مثابه‌ی یک شیوه‌ی تحلیلی که در این حالت شیوه‌ای برای «تحلیل داده‌های متنی» و داده‌های غیر متنی‌ای که به متن تبدیل می‌شوند، در نظر گرفته می‌شود.

روش تحقیق هرمنوتیکی نوعی رویکرد فلسفی است که در آن به اصل و شیرازه‌ی پدیده‌ی فهم و ادراک و چگونگی آن پرداخته می‌شود. در این نوع هرمنوتیک، اعتقاد بر این است که هر چند یک ساختار در محیط وجود دارد، اما افراد گوناگون ممکن است به صورت متفاوت آن را تجربه نمایند و در نتیجه واقعیت‌های چندگانه‌ای شکل بگیرند و ایجاد شوند که هر کدام معنی متمایز و در عین حال منحصر به فردی داشته باشند. هرمنوتیک در این راستا یک رویکرد کل‌نگر را اتخاذ می‌کند و پدیده‌ها را به صورت واحدهای کلی در نظر می‌گیرد. چرا که بر اساس منطق درونی‌اش بر این اعتقاد است که کل چیزی بیش از مجموع بخش‌های اجزا است و وقتی که پدیده‌ای به بخش‌ها یا اجزای اساسی‌اش تقلیل داده می‌شود یا مؤلفه‌ای از آن حذف می‌شود، بخش عمده‌ای از معنی و در نتیجه قابلیت کل بودن از بین می‌رود.

در حوزه‌های تجربه و تفسیر نیز می‌توان گفت که این دو هم تحت تأثیر بافتی قرار دارند که انسان در آن اجتماعی می‌شود و هم تحت تأثیر قابلیت‌ها و ویژگی‌های فردی افراد (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۵۸).

تحلیل کیفی هرمنوتیکی، نوعی رویکرد تحلیلی است که مبتنی بر تفسیری است که تفسیرگرا از واقعیت، رخداد، یا متن ارائه می‌دهد و در آن تلاش می‌شود درک ژرفانگری از معنی‌های متن‌ها، رخدادهای، واقعیت‌ها، عملکردهای انسانی، فرهنگ و آثار هنری به دست آید. تحلیل هرمنوتیکی

دارای چرخه‌ی هرمنوتیکی است یعنی در این چرخه عمل تفسیر طی یک فرآیند دوری حرکت از کل به جزء و از جزء به کل صورت می‌گیرد. تحلیل‌گر یا تفسیرگر در هرمنوتیک همواره بین کل و جزء و بر عکس در حرکت خواهد بود تا به این طریق به درک عمیقی از پدیده‌ها با معنی برسد (حریری، ۱۳۸۵: ۲۸۲).

شلایر ماخر باور دارد معنای تمام جمله‌ها در گرو کل حاکم بر اثر است، زیرا این معنای کل است که هویت‌بخش به معنای جزئیات است، هر چند جزئیات نیز در شکل‌دهی به کل اثرگذار هستند. این کل تعیین‌کننده سیاق یا زمینه‌ی درونی متن است و این کل، همان معنای کلی است که از اول در نظر نویسنده بوده و با نوشتن این متن در مقام القای آن بوده است (دیلتای، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۳).

اندیشمندان حوزه‌ی هرمنوتیک در خصوص فهم متن سه محوریت را قائل هستند:

۱- متن محوری که در آن تمرکز فقط روی متن مدنظر است و بنابراین به قصد و نیت مؤلف و خوانش خواننده کاری ندارد. منتقدان این دیدگاه بر عدم وجود معنای ثابت و معین در متن تأکید دارند و بیان می‌دارند که متن به صورت بالقوه دارای معنی‌های گوناگونی است که به تناسب تفسیرگر و مؤلف می‌تواند متفاوت ارزیابی شود.

۲- مؤلف یا نویسنده محوری که در آن تأکید بر رسیدن به قصد یا نیت مؤلف یا نویسنده‌ی متن است. در این مورد رجوع به جهان‌بینی و شرایط اجتماعی - فرهنگی مؤلف یا نویسنده می‌تواند به تفسیرگر در راستای رسیدن به قصد یا نیت او یاری رساند. در این راستا شلایر ماخر و دیلتای معتقدند که با جدیت و توجه کافی می‌توان به مقصود مؤلف و حقیقت اثر دست یافت (قاسمی و ایمانی، ۱۳۹۲).

۳- تفسیرگری محوری که در آن بر برداشت و تفسیر تفسیرگر یا خواننده از متن تأکید می‌شود و اعتقاد بر این است که ملاک فهم می‌بایست دریافت یا درک خواننده یا تفسیرگر از متن باشد و نباید مؤلف یا نویسنده را به متن الصاق کرد.

تاریخچه‌ی پیدایش و روند تکامل روش تحلیل هرمنوتیک

هرمنوتیک از نظر تاریخی به پنج دوره تقسیم می‌شود:

۱- هرمنوتیک کلاسیک

شلایر ماخر و ویلهلم دیلتای، معتقد بودند که یک معنای غایی و یک فهم نهایی از اثر وجود دارد؛ وظیفه‌ی مفسر است که با شناخت اثر، بررسی نشانه‌های درون متنی و اصلاح روش تفسیر تلاش کند تا به بدان «معنای نهایی» دست یابد (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۱).

فهم یکی از نکات مهم در هرمنوتیک است که توسط شلایر ماخر به عنوان بنیان‌گذار هرمنوتیک مدرن به رسمیت شناخته شده است (پاترسون و هیگز، ۲۰۰۵). شلایر ماخر اولین کسی بود که هرمنوتیک را به عنوان هنر فهمیدن مطرح کرد. از دیدگاه او فهمیدن یک امر خود به خودی نیست، بلکه نوعی موفقیت در درک معنای چیزهایی است که مهم و برجسته‌اند (بدری و حسینی نسب، ۱۳۸۶). همچنین او به دو اصطلاح اشاره می‌کند، یکی تأویل دستوری که به بررسی رابطه‌ی گفتار با زبان می‌پردازد، یعنی به بررسی گفتار با عناصر اندیشه و ذهنیت اندیشه‌گر پرداخته می‌شود. دوم، تأویل روان‌شناسانه (واعظی، ۱۳۸۱). از نظر شلایر ماخر تفهم دستوری با جنبه‌های زبان‌شناختی تفهم و مرزهای تفکر و تفهم روان‌شناختی با بازآفرینی خلاقانه‌ای که فعالیت اجتماعی یا متن را به وجود آورده، سر و کار دارد. تفسیر روان‌شناختی به معنای قرار گرفتن شخص در ذهن نویسنده جهت فهم این نکته است که در ذهن این نویسنده زمانی که این متن را نگارش می‌کرد چه چیزی می‌گذشته است (محمد پور، ۱۳۸۹). این رویکرد باعث شد هرمنوتیک از جنبه صرفاً ابزاری به نظریه‌ی عام برای فهم و تفسیر از متون شود. این نوع از هرمنوتیک به هرمنوتیک

کلاسیک مشهور است، که هدف از فهم، عبارت بود از بازنمایی و باز تجربه‌ای از فرایند خلاق قصد نویسنده. این هدف از طریق قاعده‌مند کردن روش‌ها و فن‌های تفسیری به دست می‌آمد (گائینی و حسن‌زاده ۱۳۹۱).

۲- هرمنوتیک مدرن

درصدد ارائه‌ی روش جلوگیری از بدفهمی و سوء فهم بوده است. از این رو هرمنوتیک به عنوان مجموعه قواعدی روشمند و روش آموز، باید برای رفع سوء فهم به استخدام درآید. در واقع مفسر وقتی به فهم متن نائل می‌آید که فرایند اصلی ذهن مؤلف را که منجر به آفرینش متن شده، بازآفرینی کند و به درک فضای ذهنی حاکم بر مؤلف، حین تولید متن واقف شود (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۱).

۳- هرمنوتیک روشی

هرمنوتیک روشی، در عرصه‌ی علوم انسانی تعمیم یافته است. «ویلهم دیلتای» هرمنوتیک را دانشی می‌دانست که عهده‌دار ارائه روش‌شناسی علوم انسانی است. هدف اصلی تلاش هرمنوتیکی او، ارتقاء اعتبار و ارزش علوم انسانی و هم طراز کردن آن با علوم تجربی بود (واعظی، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۷۵).

به نظر دیلتای از آن جا که علوم طبیعی به داده‌هایی خارج از آگاهی انسان نظر دارد، تأویل به تبیین بدل می‌شود. در واقع تأویل را منحصر به علوم انسانی می‌دانست، زیرا تأویل در این حوزه با آنچه عامل نیت مند انسانی خلق کرده است سر و کار پیدا می‌کند. دیلتای، از دیدگاه شلایر ماکر که فهم و تأویل را به معرفت از زبان و زمینه متن و ذهنیت خالق اثر محدود می‌کرد، فراتر می‌رفت (نیوتن، ۱۳۷۳، ص. ۱۸۵).

۴- هرمنوتیک فلسفی

در قرن بیستم میلادی، تحول بزرگی در هرمنوتیک روی داد و این دانش پا به عرصه‌ی تازه‌ای گذاشت. هرمنوتیک فلسفی با نیچه و هایدگر شروع و با گادامر ادامه یافته است (پناهی زاده، فرزام پور و شاهی، ۱۳۹۰). فیلسوفان این عصر درصدد اثبات این نکته بودند که چیزی به نام «فهم نهایی» و مؤلفه‌ای تحت عنوان «نیت مؤلف» مطرح نیست. فهم آن چیزی است که در اندیشه‌ی مفسر نقش می‌بندد. فهم هر مفسر ریشه در زمانه، جامعه، فرهنگ و تربیت او دارد. دریافت و برداشت هر خواننده، منحصر به خود اوست و به تعداد خوانندگان یک متن فهم‌های متفاوت وجود خواهد داشت (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۱).

۵- هرمنوتیک نوین

در دوران معاصر تلاش زیادی صورت گرفته است تا برخلاف هرمنوتیک فلسفی، شیوه و راهکاری خاص برای دستیابی به فهمی یگانه ارائه شود. نمایندگان بزرگ این دوره «امیلیو بتی» و «اریک هرش» با نقد دیدگاه‌های هایدگر و گادامر سعی در احیای آموزه‌های تأویل‌شناسی کلاسیک دارند و می‌کوشند برای دغدغه‌های ذهنی شلایر ماکر و دیلتای قاعده‌ای منسجم و اصولی تعریف کنند:

قاعده‌ای که هم «روش در فهم» را توجیه کند و هم به دریافت «فهم نهایی» از اثر نائل گردد».

«اریک هرش» عقیده دارد که در تفسیر متن، دو برداشت مستقل از یکدیگر وجود دارد: نخست معنایی که از واژگان متن دریافت می‌شود؛ دیگری شواهد آن معانی در دورانی که اثر تفسیر می‌شود. سپس توضیح می‌دهد که معنای لفظی همواره ثابت است، اما شواهد آن معنا، در هر دوره‌ای فرق می‌کند (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۲).

معرفی روش پژوهش تحلیل هرمنوتیک

هرمنوتیک دانشی است که به «فرایند فهم یک اثر» می‌پردازد و چگونگی «دریافت معنا» از «پدیده‌های گوناگون» هستی اعم از گفتار، رفتار، متون نوشتاری و آثار هنری را بررسی می‌کند.

دانش هرمنوتیک به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا روش و راهکاری وجود دارد تا خوانندگان یک متن و بینندگان یک اثر هنری، با به کارگیری آن روش، به دریافت معنای ثابت و مشخصی از آن اثر یا متن دست یابند؛ یا این که درک و فهم هر مخاطبی مختص اوست و با دیگری تفاوت دارد (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۴).

انواع هرمنوتیک

پالمر به سه نوع هرمنوتیک معتقد است:

۱- هرمنوتیک خاص

در این نوع از هرمنوتیک صرف‌نظر از نوع حوزه‌ی علمی، به تفسیر متون می‌پردازد. برای تفسیر هر یک از متون در حوزه‌های مختلف باید قواعدی خاص به خود را مطرح کرد (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱). به منظور منقح کردن کیفیت تفسیر متون، در هر یک از شاخه‌های علوم و معارف نظیر حقوق، ادبیات، کتب مقدس و فلسفه، مجموعه‌ای از قواعد و روش فراهم می‌شد و هرشششه ممفقد ددهی جمعه قفقه و طصل تفیری خخخ بود. ۱۱ این رر ههنوتیک ههر ررته،خخص آن رشته یو و به ههین ددیل این قفقه ههنوتیکه ه خخخ بودند و به سنت فکری و علمی مربوط به خود اختصاص داشتند (خنifer، مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۵).

۲- هرمنوتیک عام

هرمنوتیک عام، ارائه فهم و تفسیر است و برای همه علوم است و می‌گوید قواعد عام بر فهم متن وجود دارد و به ناحیه‌ی خاصی از علوم اختصاص نداشته شاخه‌های متعددی از علوم تفسیری را پوشش می‌دهد (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۶). حتی ديلتای نیز که معنای متن را گسترش و به هر مصنوع بشری سرایت می‌دهد، خود را جزیی از پیکره اجتماعی انسانی دانسته، باور دارد که دیگران نیز مانند وی هستند و به همین علت هستی درون آنها نیز برای وی قابل درک است (آیدم، ۲۰۰۲، ص. ۸۹).

۳- هرمنوتیک فلسفی

این نوع هرمنوتیک تأملی فلسفی در پدیده‌ی فهم را وجهه‌ی همت خود قرار داده است. این نوع هرمنوتیک نه تنها علاقه‌ای به ارائه‌ی روش ندارد، بلکه به نقد متدولوژی می‌پردازد و ایده‌ی «از راه تنقیح روش می‌توان به حقیقت رسید» را به نقد می‌کشد.

راه هرمنوتیک فلسفی از هرمنوتیک عام و خاص جداست زیرا اهدافی را دنبال می‌کند که مورد توجه اصحاب گذشته هرمنوتیک نبوده است (نصری، ۱۳۸۴).

مفاهیم هرمنوتیک

مفاهیم هرمنوتیک عبارتند از:

- تجربه زنده: از نظر دیلتای، عمل انسانی مبین تجربه‌ی زیسته است و تحلیلی خاص را طلب می‌کند. مفسر می‌کوشد تا خود را به جای پدیده آورنده‌ی اثر قرار دهد تا علت فعل عملش را بفهمد
- منظومه‌های نهان: به معنی در نظر گرفتن امور مفروض یا بدیهیات، یعنی تمامی آن داشته‌هایی که در راه فهم رفتار یا عمل دیگری لازمند و انسان‌ها بدان در هنگام تفسیر توجه ندارند.
- فهم: کوشش اساسی پیروان مکتب تأویل، فهم مجموعه‌های به هم پیوسته و سیال انسانی است. دیلتای می‌گوید: ما طبیعت را تبیین می‌کنیم، اما انسان را می‌فهمیم.
- شاخص: یعنی هر فعل یا عمل و یا حرکت انسانی، بعدی شاخص - نمادی دارد و آن این که هر نماد در هر متن یا مجموعه‌ای معنایی ویژه دارد.
- شرح: برای شناخت معنای هر عمل باید به متن یا مجموعه‌ای توجه کرد که در آن اتفاق افتاده است. چون احصای کل اطلاعات معنایی ویژه می‌یابد و در یک آن ممکن نیست.
- کلی‌نگری:

بینش هرمنوتیک بیش از هر بینش دیگری، تأمیت را هدف قرار می‌دهد. شناخت تأمیت در مکتب تأویل متکی بر مفاهیم زیر است:

الف) دایره‌ی هرمنوتیک یا حلقه‌ی تأویل: شناخت اجزاء تشکیل دهنده‌ی یک مجموعه ممکن نیست، مگر با توجه و با در نظر گرفتن محل یا مجموعه و یا منظومه‌ای که در آن جای دارد.

ب) بعد تاریخی: در شناخت کلیت علاوه بر دور هرمنوتیکی باید هر پدیده را در مجموعه‌ای وسیع که با امتداد تاریخی آن مرتبط است دید و شناخت.

ج) روح عینی: منظور نموده‌ای حیات انسانی است، از زبان گرفته تا دین.

د) معنای اسنادی: مثلاً معنای اسنادی یک نقاشی زمانی فهمیده می‌شود که در چارچوب جهان‌بینی جامعه یا گروهی که در آن تولید و تهیه شده است مورد توجه قرار گیرد.

- انتقال ذهنی: هدف غایی در تأویل، بازسازی کلیت ذهنی نویسنده توسط مفسر و تأویل گر است. مفسر باید بتواند شرایط روحی، ذهنی و به طور کلی جهان درون صاحب اثر را دقیقاً درک کند تا هر کلام یا پیام را به طور عمیق بفهمد.

هرمنوتیک و پژوهش سازمانی

کارکرد گرای ساختاری از زمان پیدایش این حوزه در مطالعات سازمان به صورت نوعی گرایش قدرتمند باقی مانده است، با این حال، تفسیر و معنا پیوسته نقش محوری‌تر پیدا کرده‌اند.

اندرو پتیگرو (۱۹۷۹) فرهنگ سازمانی را آمیزه‌ای از انگیزه‌ها، احساسات، کنش‌ها، باورها، معناها و تفسیرها است که در اسطوره و آیین به هم پیوند خورده‌اند و در تار و پود چرخه‌ی حیات سازمان تنیده شده است. در ۲۰ سال گذشته فرهنگ به موضوعی مشروع در عرصه‌ی مطالعات سازمانی

تبدیل شده است و مفروضات معرفت‌شناختی هرمنوتیک ریشه دوانیده است. از زمانی که پژوهش فرهنگی به معنا و فرآیند معنا سازی تمرکز کرد، پژوهش گران رابطه‌ای نزدیک با این داده‌ها را جستجو می‌کنند. آن‌ها به جای این که بر تأیید کردن یک فرضیه‌ی پیشینی تمرکز کنند که بر ساختارها تمرکز دارد، به جستجو برای استثنای علاقمند شدند. از آن هنگام روش‌های پژوهش کیفی از جمله قوم‌نگاری و مصاحبه به منابع مشروع داده‌ها تبدیل شدند. یکی از دیگر از یاریگران مهم ترنر (۱۹۹۰) بود که باعث شد قدر فرآیندهای فرهنگی، نمادگرایی و روش‌های پژوهش کیفی بیشتر دانسته شود. او یکی از یاریگران کلیدی کنفرانس دائمی نمادگرایی فرهنگی به شمار می‌رود. برخی اندیشمندان نقش پژوهش گر را مشارکت کننده در ساخت مقوله‌های فرهنگی می‌دانند نه این که تنها منعکس کننده‌ی صرف باشد (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۸).

هرمنوتیک و معنا بخشی

متون معنا بخشی نیز از تئوری هرمنوتیک الهام گرفته‌اند. معنا بخشی با این موضوع سر و کار دارد که چگونه افراد معنا را می‌سازند، کنش را تحمیل می‌کنند و هویت را می‌سازند. پژوهش گران معنا بخشی می‌کوشند تفاوت بین روال جاری زندگی سازمانی که در آن تمایز ذهن – عین چشم‌گیر نیست و تلاش‌های معنا بخشی که پس از تفکیک رخ می‌دهند را بیان کنند. معنا بخشی در این شرایط آشکار و قابل رویت خواهد بود؛ شرایط شگفتی انتظارات برآورده نشده، یعنی هنگامی که رویدادها متفاوت از آنچه ما انتظار داشتیم ادراک می‌شوند، یا هنگامی که معنای رویدادها چنان مبهم است که عاملان نمی‌دانند چگونه با جهان درگیر شوند (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۰).

هویت سازمانی

هویت بنیان فعالیت‌های معنا بخشی به شمار می‌رود و زیر بنای تلاش‌های بنیان‌گذاری معنا را تشکیل می‌دهد. به باور ویک «افراد با طرح‌ریزی کردن هویت خود در محیط و مشاهده پیامدهای آن درباره‌ی آن یاد می‌گیرند» (۱۹۹۵). از دیدگاه آلبرت و وتن (۱۹۸۵) هویت سازه‌ای تفسیری است و تنها از راه روش‌های تفسیری قابل فهم است. روش مناسب برای فهم هویت «تجزیه و تحلیل استعاره‌ی گسترش یافته» است. هویت بر تفسیرها، احساسات، کنش‌ها و فرایندهای سازگاری تأثیر می‌گذارد. باورها درباره‌ی هویت بر معانی داده شده به رویدادها و این که چه راهکارهایی باید مشروع پنداشته شوند، تأثیر می‌گذارد.

هرمنوتیک و رویکردهای روایتی به تئوری سازمان

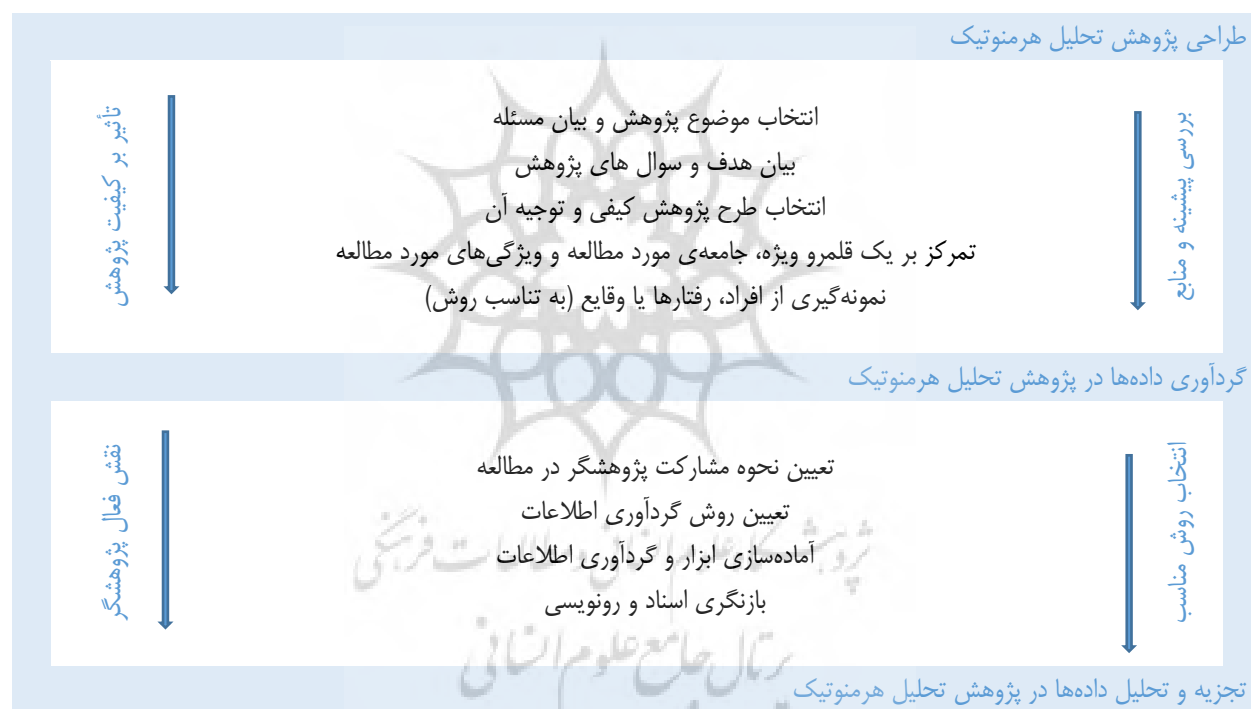
اگر سازه‌ی هویت نوعی فرایند روایتی باشد که در برگیرنده‌ی راوی است و مخاطب را در شکل‌دهی و ویرایش عناصر داستان فرد در نظر می‌گیرد، پس نقش رهبری چه خواهد بود؟ تئوری روایتی ریکور دلالت‌هایی سودمند در این خصوص ارائه می‌کند. از دیدگاه ریکور خود فهمی نوعی ضرورت اخلاقی است. فلسفه‌ی هرمنوتیک ریکور می‌گوید خودآگاهی موثق رهبر به وسیله‌ی توجه کردن به سازه‌ی روایتی خود ساخته شده است که شامل صدهای دیگران است. اسپارو طرح روایتی ریکور را در پیش گرفت تا بگوید رهبران خود پنداریشان را روایت می‌کنند که به طور بالقوه بر سازه‌ی هویت تأثیر می‌گذارد و پیروان نیز از هویت رهبران خود تقلید می‌کنند (لوتانز و آوولیو، ۲۰۰۳).

هرمنوتیک در بافتار گفتمان بر ابزارهای تفسیری تأثیر می‌گذارد تا زبان و کنش ارتباطی را بسازد. این کنش‌ها سیستم‌های معنایی را تشکیل می‌دهند و متناسب رهبران و بافتار خاصی هستند که در آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. تأثیر هرمنوتیک در مطالعات سازمانی غنی است و اهمیت آن همچنان ادامه دارد، اگر چه پژوهش‌های شناخته شده در این زمینه چندان زیاد نیست. هدف ما جلب توجه به شالوده‌های تاریخی هرمنوتیک و تأثیر آن بر تئوری سازمان بوده است (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۳).

وجه تمایز روش پژوهش تحلیل هرمنوتیک با سایر روش‌های پژوهش کیفی

تمایز اصلی روش هرمنوتیک یا «تأویل گرایی» با سایر روش‌های کیفی در عمق تفسیر است و اساس این روش بر تفسیر عمیق و همه جانبه ی «نصوص صریح» و یا «نصوص چند وجهی» است؛ لذا در تعریف این روش نیز آمده است که هرمنوتیک یعنی «علم تفسیر نص». این روش به فلسفه و روش فلسفی یا فلسفیدن بسیار متکی است. قدمت این روش که از دوران یونان باستان به آن توجه شده است و به نوعی روش کهن پیشه یا دیرپاست و در ادیان نیز بسیار حائز اهمیت است. تأکید این روش بر فهم بدون جدا کردن اجزا است یعنی در درک و فهم معنای یک متن به زمینه‌های بزرگ‌تر تأکید دارد و حتی تفسیر را نوعی چرخه می‌داند که شبیه حرکت زیگزاگی بین اجزا کل در رفت و آمد است. اشاره‌ی شگفت این روش به این نکته که به تعداد خوانندگان و درک کنندگان یک متن، رمان، شعر و ... گاه فهم‌های متفاوت وجود دارد (خنیف‌ر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۶).

مراحل انجام پژوهش تحلیل هرمنوتیک





شکل ۱- مراحل انجام پژوهش تحلیل هرمنوتیک (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۷)

طراحی پژوهش تحلیل هرمنوتیک

تحلیل هرمنوتیک یک تحلیل پویا است که بیشتر مبتنی بر شهود تحلیل‌گر است تا پیگیری مرحله به مرحله یک فرایند تحلیلی خطی. در واقع، فرایند تحلیل هرمنوتیک یک فرایند چرخه‌ای است که در آن بخش‌ها یا مرحله‌های گوناگون نه تنها با هم در یک تعامل پویا قرار دارند، بلکه تحلیل‌گر همواره بین یا میان آنها در حرکت است تا از طریق تعدیل‌ها و انعطاف‌های تحلیلی خود بتواند به معنی اصلی پدیده راه یابد.

۱- انتخاب موضوع پژوهش «تحلیل هرمنوتیک» و بیان مسئله

در انتخاب موضوع پژوهش در تحلیل هرمنوتیک، باید به اموری پرداخته شود که نیاز به فهم ظریف دارند مانند ارزشها، هنجارها، احساسات، کنش‌ها، باورها، معانی، اسطوره‌ها، نمادها، اسطوره‌ها و فرهنگ حاکم بر سازمان و امثالهم.

۲- بیان اهداف و سؤالات پژوهش تحلیل هرمنوتیک

هرمنوتیک هم فلسفه است و هم روش کیفی پژوهش است که بر قاعده تفسیرگرایی استوار شده است. لذا هدف و سؤالات در این روش از قاعده تفسیر پیروی می‌کنند. لذا هدف نویسی در روش هرمنوتیک ناظر بر کشف پیام‌ها، نشانه‌ها و معانی یک پدیده یا متن است.

۳- انتخاب طرح پژوهش تحلیل هرمنوتیک و توجیه آن

پژوهش‌گر در این روش معمولاً با توجه به نوع رویکرد خود دو شیوه‌ی تاریخی نگر و عینی‌نگر را می‌تواند اتخاذ کند و از این رو به سه نوع عمده تقسیم می‌شود:

هرمنوتیک تاریخی

تحلیل هرمنوتیکی تاریخی نوعی شیوه‌ی تحلیلی است که در آن متن و متن‌واره با رجوع به شرایط تاریخی و فرهنگی که شکل گرفته و تطور و تحول یافته است؛ بررسی می‌گردد. بنابراین، در این شیوه بازگشت به ارزش‌های زمان خاص پیدایش یا خاستگاه متن یا متن‌واره بسیار مهم در نظر گرفته می‌شود.

تاریخ‌گرایان بر عینی‌گرایان این انتقاد را مطرح می‌سازند که بر اساس چه ملاکی می‌توان تفسیری را بر تفسیری دیگر ترجیح داد. ترجیح یک تفسیر بر تفسیر دیگر نیاز به بررسی شواهد و مدارکی دارد که از عهده‌ی بسیاری از افراد خارج است. در مقابل عینی‌گرایان بر تاریخ‌گرایان این انتقاد را وارد می‌کند که اگر فاصله‌ی میان گذشته و زمان حال بسیار باشد، فهم هیچ متنی امکان‌پذیر نیست. نگاه تاریخ‌گرایان ما را به نسبیت می‌کشاند چرا که بر اساس نگرش آنها مدرکی بر صدق وجود ندارد (نصری، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

در هرمنوتیک تاریخی مؤلف محوری یکی از اصول بنیادین در نظر گرفته می‌شود، اما شرایط تاریخی زمان مؤلف نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. از نظر مارتین کلاوینوس متن یک معنا بیشتر ندارد و آن همان قصد مؤلف است (نصری، ۱۳۹۰: ۱۴۸). دلیلتای نیز فهم را حاصل

بازسازی حالت و تجربه های پدیدآورندهی هر عمل معنی دار انسانی می داند که از آن به عنوان متن با متن واره یاد می شود. در واقع، از نظر دیلتای، افراد انسانی در هویت بشری با یکدیگر اشتراک دارند، لذا افراد با شناخت خود و قرار دادن خود در وضعیت تاریخی موضوع مورد مطالعه، می توانند پدیدآورندهی آن موضوع را بشناسند. از نظر گادامر فهم همواره واقعی تاریخی و دیالکتیکی زبانی است (پالمر، ۱۳۹۱: ۲۳۷).

هرمنوتیک عینی

هرمنوتیک عینی نوعی تحلیل کیفی است که تلاش می کند از طریق تفسیر اطلاعات و داده هایی که از طریق مصاحبه ها و گفتگوها و نیز سنجه های غیر واکنشی به دست می آیند به ساختار نهفته ی مضمون متن طی چند مرحله ی فرایندی و با پیگیری خط سیر زمانی رخدادها دست یابد و به همین دلیل به آن هرمنوتیک ساختاری نیز گفته می شود.

این نوع هرمنوتیک یک رویکرد متن محوری دارد و هدف آن رسیدن به نتایج عینی از طریق بررسی ساختار معنا و مضمون عینی متن در یک اجتماع زبانی و تعاملی و برآیندهای سنجه های غیر واکنشی است، اما با توجه به سیر زمانی و رخدادی متوالی رخدادها یا متن. منطلق عینی بودن این نوع تحلیل مبتنی بر رعایت فرایند ترتیبی و توالی منطقی زمانی و رخدادی است. تحلیل در هرمنوتیک عینی باید کاملاً متوالی باشد، به این معنا که باید به هنگام تفسیر از توالی زمانی رویدادها یا متن پیروی کنیم. این کار باید توسط گروهی از تحلیل گران انجام شود که روی متن واحدی کار می کنند.

اورمن آلت، کونایو و کرامبک (۱۹۷۹: ۴۰۲-۳۹۴) مرحله ی اصلی تحلیل هرمنوتیک را تحت عنوان تحلیل ظریف در قالب نه سطح تعیین می کنند که عبارت اند از:

- روشن سازی و تشریح بافتی که تعامل در آن صورت می گیرد.
- نقل معنایی یک تعامل بر اساس گزارش واژه به واژه ی آن چه که بیان شده است.
- روشن سازی و تشریح مقصود و منظور کنش گران درگیر در تعامل.
- روشن سازی و تشریح انگیزه های عینی تعامل و پیامدهای عینی آن.
- روشن سازی و تشریح تعامل در توزیع نقش های تعاملی.
- توصیف ویژگی های عینی تعاملی.
- بررسی و کندوکاو در تعامل تفسیر شده برای کشف طرح های ارتباطی ثابت.
- روشن سازی و تشریح روابط کلی.
- آزمون مستقل فرضیه های کلی که در سطح پیشین بر اساس بررسی توالی تعامل های سایر موردها صورت بندی شده اند.

این صورت ها یا ساختارها به منزله ی فرضیه تلقی شده و مرحله به مرحله به آزمون داده های بیش تر گذاشته می شوند و ممکن است ابطال شوند (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۷۵-۳۷۴).

هرمنوتیک پدیدار شناختی

هایدگر پدیدارشناسی را روشی برای تحلیل وجود می داند و هرمنوتیک و ساختارشناسی را از اصول بنیادی آن در نظر می گیرد (خاتمی، ۱۳۹۳، ص. ۲۵). از دیدگاه هایدگر، پدیدارشناسی را نمی توان موضع یا مکتب تلقی کرد، بلکه از نظر وی اصطلاح پدیدارشناسی در درجه اول بر مفهومی از روش دلالت می کند (اسپیگلبرگ، ۱۳۹۲، ص. ۵۸۱). از طرفی مسئله اساسی در پدیدارشناسی وی، پرسش بنیادی از معنای وجود و مسائل ناشی

از آن است (هایدگر، ۱۳۹۲، ص. ۳۱). بنابراین این تعریف از پدیدارشناسی، روشی است که وجه وجودی انسان را تعریف می‌کند (مصطفوی، ۱۳۹۱، ص. ۴۹). با توجه به ریشه‌یابی هایدگر از لفظ پدیدارشناسی، معنای آن بر اساس الفاظ یونانی گفتار پدیدارها یا خود نشان دهنده‌ی پدیدارهاست، یعنی مجال دادن به اینکه پدیدار به همان شیوه‌ای که خودش را به واسطه خود نشان می‌دهد، دیده شود. در نهایت از نظر هایدگر همان دستور به سوی خود چیزها است (صافیان، حسینی منش، ۱۳۹۳، ص. ۳۴).

هرمنوتیک پدیدار شناختی نوعی تحلیل کیفی است که تلاش می‌کند معنی و شیرازه‌ی اصلی و مورد نظر مؤلف یا گوینده را از طریق بررسی و تفسیر ژرفانگر و لایه به لایه‌ی متن، تجربه، یا اثر به دست آورد و از این رو، تا حد زیادی مؤلف یا آفریننده، محور است. برای این منظور، پژوهش گر یا تحلیل گر به نوعی در زیست جهان و داستان‌های مشارکت‌کنندگان درگیر می‌شود تا از طریق بررسی همدلانه بتواند به اصل و شیرازه‌ی تجربه، رخداد، پدیده یا متن و به طور کلی معنی اصلی آفریننده یا مؤلف دست یابد. در هرمنوتیک پدیدار شناختی فرض بر این است که ممکن است بین نمود که به صورت بلافاصله به دست می‌آید و شیرازه یا اصل تفاوت یا تمایز قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد. پدیدارشناسی هرمنوتیکی با زیست جهان و تجربه‌ای انسانی به صورت زنده سر و کار دارد و تمرکز آن روی روشن‌سازی جزییات و جنبه‌های به ظاهر جزیی تجربه با هدف خلق معنی و رسیدن به حس ادراک است (ویلسون و هاتچینسون، ۱۹۹۱).

۴- تمرکز بر یک قلمرو ویژه، جامعه و ویژگی‌های مورد مطالعه در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

روش تأویل یا هرمنوتیک، روشی تمرکزگرا و ژرف کاو است اما این تمرکز و ژرف کاوی در عین حفظ ارتکاز بر حیطه‌ی خاص، نافی تحلیل ابعاد مختلف یک پدیده نمی‌باشد. چون هرمنوتیک خصوصاً هرمنوتیک عینی که در مطالعات سازمانی و رفتاری کاربرد زیادی دارد، یک روش رسمی تفسیر متن است و البته گاهی فرض بر این است که پژوهش‌گر ضمن انتخاب یک موضوع و تمرکز بر قلمرو خاص آن باید مستقل از موضوع مورد مطالعه باقی بماند.

۵- نمونه‌گیری از افراد، رفتارها یا وقایع در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

هرمنوتیک در فرایند تحلیل خود به تفسیر و تأویل انواع متن‌ها، کنش‌ها، رخدادها، نشانه‌ها، عملکردها، آثار هنری، سازمان‌ها و نهادها و حتی رؤیایها و خواب می‌پردازد و نمونه‌گیری در آن هدفمند است.

گردآوری داده‌ها در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

۱- تعیین نحوه مشارکت پژوهش‌گر در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

تحلیل هرمنوتیک یک تحلیل چرخه‌ای است که در آن تحلیل‌گر همواره طی یک حرکت چرخه‌ای میان مرحله‌های گوناگون در رفت و برگشت است تا بتواند به شیرازه یا معنی اصلی متن یا متن واره دست یابد. تحلیل‌گر همواره باید در راستای بهبود کار خود عمل نماید و این تصور غلط را ننماید که با اولین تحلیل و تفسیر کار به پایان می‌رسد. در هر مرحله، واقعیتی جدید و حتی غیر منتظره ممکن است رخ نماید که گاهی می‌تواند با یافته‌های تحلیل اولیه ناهمخوان و حتی متعارض نیز باشد. تحلیل‌گر همواره باید در راستای اصلاح و تعدیل گام بردارد و در این راستا از حذف، جابجایی، اضافه کردن، باز سازماندهی و تفسیر مجدد هراس به خود راه ندهد.

۲- تعیین روش گردآوری اطلاعات در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

از روش‌های مهم گردآوری اطلاعات، متن یا متن‌واره‌ها هستند، همچنین در مطالعه‌ی هرمنوتیک اساس کار روش گردآوری اطلاعات جمع‌آوری گفتمان‌ها در ارتباط با تفسیر متن است. به عبارتی دیگر هرمنوتیک هنر فهم گفتمان‌های جمع‌آوری شده از زبان، متون و توضیح معنای این گفتمان‌هاست. لذا متون تاریخی، دینی، آثار، گفتارها، رفتار و حتی آثار هنری را در بر می‌گیرد.

۳- آماده‌سازی ابزار و گردآوری اطلاعات در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

پژوهش‌گر یا تحلیل‌گر ابتدا باید تعیین نماید که چه چیزی را و در چه سطحی تحلیل می‌کند. به سخن دیگر، ابتدا مورد باید برای تحلیل مشخص گردد: آیا مورد یک متن است یا یک متن‌واره در قالب تجربه، فعالیت، متن گفتگویی یا مصاحبه‌ای، یا یک اثر حاصل از سنج‌های غیر واکنشی. اگر مورد یک متن است، به صورت کامل برای تحلیل انتخاب می‌شود، اما اگر مورد یک متن‌واره است، باید به صورت بی‌کم و کاست، پیاده‌سازی و به متن تبدیل شود.

۴- بازنگری اسناد و رونویسی در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

تعیین و تعریف مورد و سطح تحلیل - انتخاب متن یا پیاده‌سازی

توجه به این امر ضروری است که در پیاده‌سازی باید همه چیز بی‌کم و کاست لحاظ شود. این قاعده به ویژه در خصوص گفت‌وگوها یا مصاحبه‌ها صادق است. چرا که هر نوع کنشی نظیر مکث یا زیر و بم صدا می‌تواند در رسیدن به شیرازه یا اصل معنی بسیار تعیین‌کننده باشد. پیاده‌سازی این نوع داده‌ها معمولاً باید توسط همان فردی انجام گیرد که خود در فرآیند جمع‌آوری آن‌ها حاضر و ناظر بوده است و از این رو می‌تواند به بهترین وجه ممکن همه‌ی جزئیات را به همان صورتی که رخ داده‌اند پیاده‌سازی نماید. بنابراین، در پیاده‌سازی باید قاعده‌هایی منظور شود که با کمک آن‌ها بتوان نواخت و آهنگ صداها، مکث‌ها، تأکیدها و به طور کلی هر عمل تأثیرگذار در معنی را به متن آورد.

برخی از پژوهش‌گران از نوعی نظام کدگذاری برای ثبت این موارد استفاده می‌کنند، اما بسیاری از تحلیل‌گران در هرمنوتیک نظام کدگذاری را برای این منظور نابسند در نظر می‌گیرند و باز نویسی روایتی یا داستان وار را ترجیح می‌دهند. متن‌واره‌ی اصلی هم که پیاده‌سازی روی آن انجام شده است تا پایان تحلیل برای هرگونه رجوع مجدد و بازیابی حفظ شود و در دسترس باشد.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

تعیین و ایجاد یک نظام سازمان‌دهی جهت رجوع به متن

ایجاد یک نظام نمایه‌سازی جهت شناسایی محل رجوع به واحدهای معین متن یکی از کارهای اساسی است که معمولاً از طریق یک نظام عددگذاری صورت می‌گیرد. به سخن دیگر، تحلیل‌گر ابتدا باید واحد رجوع خود را که معمولاً کوچک‌ترین واحد متنی برای دسترسی به اطلاعات ارجاعی مورد نیاز است، تعیین کند. در بیشتر تحلیل‌های این‌چنینی، معمولاً جمله به عنوان یک واحد ارجاعی تعیین می‌گردد و از این رو هر جمله به صورت جداگانه شماره‌گذاری می‌شود. باید توجه داشت که این عددگذاری فقط جهت شناسایی محل رجوع است نه بخشی از تحلیل و از این رو، فقط برای تعیین جایگاه واحدهای متنی و قابلیت بازیابی آن‌ها به کار گرفته می‌شود.

تعیین واحدهای معنایی جهت تحلیل

در تحلیل هرمنوتیک رسیدن به اصل معنی بسیار مهم است و از این رو، باید واحدهای معنایی که معمولاً با جمله‌ها و حتی بندها متفاوت است، تعیین گردد. واحدهای معنایی بخش‌هایی از متن هستند که بر معنی یا عقیده‌ای کامل تمرکز دارند و معنی از آن‌ها قابل درک است. البته، باید دقت کرد که منظور از معنی کامل این نیست که متن به تنهایی بدون توجه به بافت شکل‌گیری و تولید آن قابل درک است، بلکه منظور نظام

متنی یا جنبه‌ای است که می‌توان روی آن به صورت مستقل و مجزا تمرکز کرد. این واحدهای معنایی معمولاً نه واژه‌ها و نه جمله‌ها هستند، بلکه گروهی از جمله‌ها حول حوزه‌ی یک معنای کلیدی و اصلی هستند و از این رو، عقیده‌ای کامل و منسجم را می‌رسانند. تشخیص این واحدها مبتنی بر هیچ واحد زبانی نیست و فقط معنی اصلی یا کلیدی تعیین‌کننده است. برای تشخیص این واحدها، تحلیل‌گر باید به صورت مکرر متن را مطالعه و بالا و پایین نماید تا به محتوای آن دست یابد.

تدوین برچسب‌های مضمونی یا صورت‌بندی اصطلاح‌های کلی مضمونی

واحدهای معنایی بیان‌های واقعی هستند که پژوهش‌گر از آن‌ها برای اقناع مخاطب خود استفاده می‌کند، اما برچسب‌های مضمونی نشان‌گر تحلیل پژوهش‌گر در خصوص آن چیزی است که از واحدهای معنایی در خصوص پدیده‌ی مورد نظر آشکار می‌گردد. به سخن دیگر، برچسب‌های مضمونی همان بروندهای تفسیری پژوهش‌گر یا تحلیل‌گر هستند که در قالب یک سطح تحلیلی قاعده نگر قرار می‌گیرند. هر چند در بررسی فرد نگرانه، تحلیل‌گر ممکن است به زبان‌های گوناگونی برخورد کند، اما ممکن است این زبان‌های گوناگون برای توصیف مضمون مشابهی به کار روند و از این رو، در قاب همان مضمون برچسب می‌خورند. در این مرحله است که ادراک مفهومی پیشین یا دیدگاه عام‌تر او راجع به پدیده‌ی مورد نظر به صورت بازتابشی به کمک می‌آید تا به شناسایی و برچسب‌زنی مضمون‌هایی کمک نماید که مشارکت‌کننده یا آفریننده‌ی متن یا متن واره به صورت مستقیم از آن‌ها استفاده نکرده است. هر چند واحدهای معنایی، حامل معنای منحصر به فردی هستند، اما برچسب‌های مضمونی لزوماً منحصر به فرد نیستند و لزوماً مقوله‌های عینی و انحصاری نمی‌سازند؛ به سخن دیگر، یک واحد معنایی می‌تواند در قالب بیش از یک برچسب مضمونی کدگذاری شود. این برچسب‌های مضمونی می‌توانند بر اساس ادبیات پژوهش، پرسش‌ها یا هدف‌های پژوهش و مضمون‌های موجود برای جمع‌آوری و انتخاب داده‌ها یا متن و تحلیل‌های هرمنوتیکی اولیه تدوین شوند.

تعیین روابط متقابل میان مضمون‌ها و انجام تحلیل

تحلیل و تفسیر در هرمنوتیک فقط به شناسایی مضمون‌ها محدود نمی‌شود، بلکه درک و تبیین روابط متقابل میان آن‌ها با یک رویکرد کل نگر – ترکیبی، تفسیر درون بینانه و تحلیل زمینه‌های بیرونی متن یا متن واره، بسیار مهم است. در تحلیل، هر چند که تفسیر بسیار مهم است، اما پرداختن به آن در مرحله‌ی آغازین دشوار و شاید بی‌ثمر باشد. بهتر است تحلیل‌گر با اتخاذ یک رویکرد چرخه‌ای رفت و برگشتی میان اجزا و کل و سازمان‌دهی مضمون‌ها و پرداختن به روابط متقابل میان آن‌ها در قالبی انعطاف‌پذیر، اجازه دهد اصل معنی و تفسیر متن بر آن به تدریج شکل بگیرد و تکامل یابد. در فرایند تحلیل، می‌توان ابتدا یک تحلیل اولیه با تمرکز روی زمینه‌ها و بافت بیرونی که متن یا متن واره در آن قرار گرفته اند، انجام داد و بعد به تحلیل دقیق‌تر متن پرداخت و در آن به روشن‌سازی و تفسیر معنای تعامل با متن با توجه به متن، آفریننده و برداشت مخاطب پرداخت و در این قالب، توجه به منظور یا نیت تولیدکننده‌ی متن، ویژگی‌های متن و روابط کلی میان مضمون‌های کشف شده در متن بسیار مهم خواهد بود.

۴- ارائه نتایج، تهیه گزارش و ارزیابی پژوهش تحلیل هرمنوتیک

نوشتن یافته‌ها و تجربه و تحلیل در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

• تفسیر و ارایه‌ی شواهدی عینی و تجربی

تفسیر در هرمنوتیک مبتنی بر بازگشت به قصد و نیت آفریننده‌ی متن یا متن واره و نیز بافت تاریخی آن، آن چه که از متن بر می‌آید و ارائه‌ی شواهد مرتبط و آنچه که خوانندگان برداشت می‌کنند، انجام می‌گیرد. به هر حال در این مرحله، تفسیر و شواهد عینی و تجربی جهت استناد و توجیه تفسیر با هم مطرح و آورده می‌شود. برخی به اشتباه در این مرحله فهرست یا خلاصه‌ای از آن چه که پاسخگو می‌گوید یا در متن یافت

می‌شود را ارائه می‌دهند، اما نوشته‌ای که ارائه می‌شود باید تفسیری باشد و شواهد تجربی در راستای تأیید آن باشد و از این رو، پیوستی در نظر گرفته می‌شوند.

نوشتن نتیجه‌گیری‌ها و مفاهیم در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

• ترکیب تحلیل‌های فرد نگرانه جهت رسیدن به یک سطح نسبی قاعده نگر
تحلیل فرد نگرانه بر واحدهای فردی یا منفرد تمرکز دارد و در آن هر واحد به صورت جدا و مستقل بررسی می‌شود، اما در تحلیل قاعده نگر پدیده بر اساس الگو یا تکرارپذیری و مبتنی بر قاعده‌ی معینی است. در این نوع تحلیل، عوامل کلیدی مربوط به همه یا بیشتر عملکردها جدا می‌شوند تا روندها یا الگوهای زیر بنایی یا اساسی درک گردد. هر چند که در تحلیل هرمنوتیک یک چرخه‌ی هرمنوتیکی بین کل و جزء وجود دارد و تفسیرگر با توجه به کل جزئیات را تفسیر می‌کند، اما با ترکیب جزئیات کل تفسیر شده نیز ساخته می‌شود. به سخن دیگر، تحلیل‌گر پس از این که داستان‌ها یا روایت‌های مشارکت‌کنندگان یا متن‌ها را استخراج می‌کند و آن‌ها را تفسیر می‌کند تا به معنی نهفته‌ی هر کدام دست یابد، با ترکیب آن‌ها با یکدیگر در قالب یک الگوی همبسته به یک تحلیل قاعده نگر می‌رسد.

تهیه‌ی پیش‌نویس، پرداخت متن و انتشار در پژوهش تحلیل هرمنوتیک

از آن جایی که تحلیل هرمنوتیک تکرار چرخه‌ای است، وقتی تکرار چرخه‌ها به نتایج جدیدی نرسید و الگو حاصل شد، می‌توان گزارش نهایی را صورت‌بندی کرد.

ارزیابی کیفیت پژوهش تحلیل هرمنوتیک

وقتی تفسیر و تحلیل قاعده نگر به پایان می‌رسد، لازم است پژوهش‌گر از معتبر بودن نتایج خود اطمینان حاصل نماید. برای این کار می‌تواند از مثلث سازی از جمله مثلث سازی های بررسی‌کننده، نظری و داده‌ای استفاده نماید:

- در مثلث سازی بررسی‌کننده می‌تواند از همکاران متخصص خود بخواهد با توجه به متن یا متن واره‌ها در خصوص صحت تفسیر و نتایج اظهار نظر نمایند.
- در مثلث سازی نظریه‌ای می‌تواند نتایج خود را با توجه به مبانی نظری و ادبیات پژوهش بررسی کند و از طریق مقایسه به معتبر بودن یا نبودن نتایج خود پی ببرد. در مثلث سازی داده‌ای، یک بار دیگر به داده‌های ضبط شده یا اصلی خود برگردد و برداشت خود را با آن‌ها مقایسه نماید.

اما در خصوص داده‌های متن واره ای از جمله گفت‌وگویی، مصاحبه‌ای و مشاهده‌ای، پژوهش‌گر می‌تواند نتایج خود را با مشارکت‌کنندگان در میان بگذارد و از آنان در خصوص معتبر بودن برداشت‌ها و نتایج خود نظرخواهی نماید. در خصوص داده‌های متنی، در صورت در دسترس بودن آفریننده یا مؤلف یا حتی افرادی که با دیدگاه‌های او آشنایی به نسبت خوبی دارند، تحلیل‌گر می‌تواند با او مصاحبه یا گفت‌وگو نماید و از برداشت‌ها و تفسیرهای خود اطمینان حاصل نماید.

انتقادات وارده به روش پژوهش تحلیل هرمنوتیک

۱-استناد به همدلی و گذاشتن خود به جای دیگران، هرگز ملاک مشخصی تعیین نمی‌کند تا بتوان دریافت که کدام محقق به آن حد فرضی نائل شده است. از این رو، روش هرمنوتیک از سنجش با ملاک‌های آزمون‌پذیر دور می‌ماند.

۲- توجه بیش از اندازه به کیفیت گرایی و درون گرایی، آن را از تکرارپذیری و قابلیت بررسی توسط دیگران که از خصایص روش های علمی است، دور می سازد.

۳- آزمون ناپذیری؛ اولاً استناد به هم دلی و گذاشتن خود به جای دیگری، هرگز ملاک مشخصی تعیین نمی کند تا بتوان دریافت که کدام محقق به آن حد فرضی نائل شده است، از این روی روش هرمنوتیک از سنجشی با ملاک های آزمون پذیر دور می ماند.

۴- افراط در درون گرایی و نگاه کیفی؛ توجه بیش از اندازه به کیفیت گرایی و درون گرایی، آن را از تکرارپذیری و قابلیت بررسی توسط دیگران، که از خصایص روش های علمی است، دور می سازد امروزه حتی پدیده هایی را که با علم ریاضی قابل سنجش نباشند، از طریق آمار و داده های کمی و احتمالی آن، محک می زنند، ولی روش هرمنوتیک سوژه ها را هر چه بیشتر از سنجش های کمی دور می سازد.

۵- تناقضاتی غیرقابل حل؛ در روش هرمنوتیک توصیه می شود، که محقق می بایست ارزش های انسان ها را برای تفهم رفتارشان بررسی کند، ولی باید ارزش های خود را کنار بگذارد. این موضوع چگونه مقدور است، وقتی که محقق برای فهم و انتقال معنای رفتار کنش گران، باید از یک طرف خود را به جای او بگذارد و از طرف دیگر از ارزش های خود خالی شود؟

۶- عدم آشنایی با علوم مثبت و طبیعی و روش های آن ها؛ با شناختی کافی از روش شناسی علوم مثبت و علوم انسانی و اجتماعی در خواهیم یافت، آن چه موجب شده است تا روش شناسان هرمنوتیک، موضوع و روش تحقیق را در علوم اجتماعی از علوم طبیعی مجزا و متمایز بدانند، از عدم شناختشان از علوم اجتماعی ناشی نمی شد، بلکه آن ها از موضوع و روش های بکار بسته شده در علم فیزیک و علوم طبیعی آگاه نبودند و از آن، دورنما یا برداشتی تخصصی نداشتند. تعاریف بکار بسته شده در تحقیق ها و نظریات علم فیزیک نیز همچون علوم انسانی، از انتزاع هایی ناشی می شوند که عینی نیستند.

۷- به عنوان یک روش مخصوص تفسیر متن، هرمنوتیک نتوانسته یک روش میدانی و گردآوری داده ها را بسط دهد. هر پروژه ی پژوهشی جدید باید راهبرد دست یابی به میدان و داده های مخصوص به خودش را پیدا نماید.

۸- هرمنوتیک عینی نتوانسته قواعد روش شناختی را ارائه دهد که به همکاران بی تجربه بگوید چگونه بایستی کار میدانی را سازمان دهی و داده ها را گردآوری کرد. فقدان قواعد و فنون مربوط به سازمان دهی تحقیق به برداشت باز از این مفهوم و فرایند غیراستاندارد پژوهش بر می گردد. فرایند پژوهش غیراستاندارد است و برای هر سوال پژوهشی پاسخی ندارد. از نگاه یک پژوهش گر بی تجربه طراحی یک طرح پژوهشی ناقص و فاقد کارایی است. بنابراین، پژوهش گر باید از محققان با تجربه راهنمایی بخواهد یا به صورت مشارکتی با آن ها کار کند یا مطالعات تجربی صورت گرفته که مشابه موضوع مورد پژوهش وی هستند را مطالعه کند.

۹- سوگیری مربوط به تحلیل زبان، بدون شک اورمن مدعی است که این روش می تواند هر نوعی از گزارش مربوط به کنش یعنی تصاویر، فیلم برداری و غیره را تحلیل نماید. از آن جایی که ساختارها معنای خودشان را در هر شکلی از بازنمایی ابراز می نمایند زبان تنها نوع بازنمایی است. این فرض بر این نکته دلالت دارد که هیچ بستر پژوهشی در زمینه ی بازسازی معنا وجود ندارد که داده های فرا زبان شناختی را ضروری بداند. بازسازی ساختار یک مورد همیشه به محدود کردن آن به مفصل بندی زبانی آن امکان پذیر است. حتی اگر ما این موضع روش شناختی را بپذیریم، می توانیم ادعا نماییم که تحلیل داده های فرا زبان شناختی حداقل می تواند مفید باشد.

۱۰- کاربرد هرمنوتیک عینی برای تحلیل ویدئوها نیازمند توسعه ی روش شناسی است. زیرا قراردادهای ویدیویی اخیراً نقش حیاتی در کشف زمینه های جدید بازی می کنند و در تحقیقات کیفی از جایگاه مهمی برخوردارند.

۱۱- این که می‌خواهیم بر ویژگی‌های مهم بینش‌های ایجاد شده توسط هرمنوتیک عینی تأکید نماییم. گفته شد که هرمنوتیک عینی به توصیف واقعیت اجتماعی علاقه‌مند نیست. باید به خاطر داشته باشیم تحقیقاتی که در پی گردآوری یا تولید داده‌ها در قالب توصیفات از بسترهای اجتماعی هستند، نمی‌توانند از هرمنوتیک عینی استفاده نمایند.

۱۲- هرمنوتیک عینی به مباحث یا اهداف خاص پژوهشی محدود نمی‌شود. می‌توان آن در هر نوعی از تشکلهای جهانی اجتماعی به کار برد. همچنین هرمنوتیک عینی مخصوص رشته‌ی جامعه‌شناسی نیست و از این روش می‌توان در بسترهای تحقیق تاریخی، روان‌شناختی، تربیتی و غیره نیز استفاده نمود. محدودیت این روش ربطی به هدفش ندارد، بلکه به سؤالاتی که این روش با آن‌ها روبروست و پاسخ‌هایی که می‌دهد و سازه‌های نظری که می‌تواند از تحلیل تجربی به دست آورد بر می‌گردد. از طرف دیگر علاقه و ظرافت خاص هرمنوتیک عینی که در بازسازی تنش‌ها و تناقضات آشکار و پنهان معنا قرار دارد، به عنوان یکی از محدودیت‌های این روش تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی روش هرمنوتیک با رویکرد فرا تحلیل پرداخته شد. فراتحلیل را می‌توان مطالعه و بررسی نظام مند پژوهش‌های گذشته دانست. یعنی در این روش پژوهش‌هایی که همه درباره‌ی یک عنوان خاص به عمل آمده‌اند، مجدداً مورد مطالعه و با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در واقع می‌توان با استفاده از فنون آماری خاص، نتایج همه آن پژوهش‌ها را با یکدیگر تلفیق و ترکیب نموده و به یک نتیجه واحد رسید. چنین کاری، خود یک پژوهش مستقل محسوب می‌شود. تفاوت این نوع پژوهش با پژوهش‌های دیگر در این است که جامعه آماری آنها، پژوهش‌های قبلی است و واحد تحقیق آن، هر یک از پژوهش‌های اولیه و مستقل پیشین است. با این روش می‌توان به اطلاعاتی دست پیدا کرد که اطلاعات اولیه موجود در پژوهش‌های گذشته آن را نشان نمی‌دهند. بر این اساس و با مطالعاتی که انجام شد، متوجه شدیم که در سال‌های اخیر، هرمنوتیک نه تنها یک مکتب فلسفی بلکه برای تأویل و تفسیر متون در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است، زیرا روش شناسان هرمنوتیک بر این باورند که هر پدیده‌ی اجتماعی و انسانی با داشتن شرایط مورد تأویل و فهم قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه روش هرمنوتیک برای تفهیم بنیادهای معنایی در قلمرو علوم انسانی و اجتماعی است، این روش سعی دارد تا معنای پدیده‌ها را از طریق تحول معنای آن‌ها به طور درونی و بیرونی روشن سازد. به علاوه پژوهش هرمنوتیکی به دلیل افق‌های گوناگون همچون تأویل گر، مؤلف و مفسر می‌تواند به عنوان یک رویکرد پژوهشی بکار گرفته شود.

پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هرمنوتیک خوانش و نظریه مهم گفتمان‌ها در ارتباط با تفسیر متن است. به عبارتی دیگر هرمنوتیک هنر فهم گفتمان‌های مختلف همچون زبان، متون و توضیح معنای این گفتمان‌هاست (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۳). این روش را می‌توان، روشی برای فهم و تفسیر هر نوع متنی از جمله متون دینی دانست (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۷). عناوینی چون الگوسازی در روان‌درمانی و مشاوره با استفاده از روش هرمنوتیک و تفسیر متون دینی منتخب با استفاده از هرمنوتیک جهت انجام پژوهش با روش هرمنوتیک است.

References

- Abedi Sar Asia, Alireza (۲۰۱۶). Modern hermeneutics and interpretive theory of Shahid Motahari. *Approaches in Quran and Hadith sciences*. ۴۸(۲), ۹۱-۱۱۷. [in perseian]
- Ahmadi, Babak (۱۳۸۲). Text structure and interpretation. Tehran: Nahr-e-Karzan. [in perseian]
- Derakhshe Jallal; Nusrat Panah, Mohammad Sadegh (۲۰۱۳). Application of hermeneutic analysis method in Islamic studies. *Journal of Contemporary Political Essays, Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, ۵(۳), ۳۹-۶۲. [in perseian]
- Fillek, Uwe (۲۰۰۸). An introduction to qualitative research (Hadi Jalili, translator). *Tehran: Nei Publishing House*, second edition
- Gaini, Abolfazl; Hassanzadeh, Amir (۱۳۹۱). The three paradigms of positivism, *interpretation and hermeneutics in management and organization studies*. Culture Strategy Quarterly, ۱۹, ۱۳۰-۱۳۸. [in perseian]
- Hariri, Najala (۲۰۱۵). Principles and methods of qualitative research, Tehran: Islamic Azad University Publications, Science and Research Unit. [in perseian]
- Harvey, Van E. (۲۰۱۲). Science of hermeneutics (Mohammed Nashi, translator). *Research Journal of Philosophy of Religion (Namah Hikmat)*, ۱(۲), ۲۷۰-۲۵۳.
- Khanifar, Hossein; Muslimi, Nahid (۲۰۱۶). *Principles and basics of qualitative research methods (a new and applied approach)*. (Vol. ۱), Tehran: Negha Danesh. [in perseian]
- Khatami, Mahmoud (۲۰۱۴). Speeches in the phenomenology of art. Tehran: *Art Academy*. [in perseian]
- Masoudi, Jahangir (۱۳۹۰). Hermeneutics as a research method in religious sciences. *Scientific-research quarterly of Qom University*, year ۸, number ۳ and ۴. [in perseian]
- Mohammadpour, Ahmed (۲۰۰۹). Method in method (about the construction of knowledge in humanities). Tehran: Sociologists. [in perseian]
- Mostafavi, Shams Al-Muluk (۲۰۱۱). Heidegger and hermeneutic phenomenology of art. *Chemistry of Art Quarterly*, ۱ (۳), ۴۷-۵۴. [in perseian]
- Neshat, Narges (۱۳۸۴). Language and hermeneutics in the reference process. *Library Journal*, ۳۹(۴۳), ۲۷-۳۹. [in perseian]
- Newton, K. M (۱۳۷۳). Hermeneutics (Yousef Abazari, translator). *Organon Quarterly*, No. ۴: ۱۸۳-۲۰۲.
- Olomi, Asma (۲۰۰۸). Introduction and critique on hermeneutic research method. *Monthly Book of Social Sciences*, (۲۲), ۹۵-۹۹. [in perseian]
- Palmer, Richard (۱۳۸۹). Science of hermeneutics (Mohammed Saeed Hanai Kashani, translator). Tehran: Hermes.

Palmer, Richard. (۲۰۱۱). Science of hermeneutics (Mohammed Saeed Hanai Kashani, translator). Volume ۹, Tehran: Hermes.

Safian, Mohammad Javad; Hosseini Manesh, Shkoufeh (۲۰۱۲). Separation and destruction as a stage of Heidegger's phenomenology. *Journal of Metaphysics*, ۶(۱۷), ۲۹-۴۴. [in perseian]

Shiri, Thamworth; Azimi, Neda (۲۰۱۱). Comparative study of qualitative content analysis and hermeneutic method. *Sociological Studies Quarterly*, ۴(۱۵), ۷۹-۹۹. [in perseian]

Spiegelberg, Herbert (۲۰۱۲). Genesh historical income phenomenology (Masoud Alia, translator). Tehran: Minavi Fard Publications.

Vaezi, Ahmed (۲۰۰۴). An introduction to hermeneutics. *Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought*. [in perseian]

Vaezi, Ahmed (۲۰۱۱). An introduction to hermeneutics. Review book (۲۳), access from: www.ensani/fa/article/۷۸۷۷۳. [in perseian]

